

## مناقصه‌های نفت و گاز عراق و آینده بازار جهانی نفت

علی بی‌نیاز<sup>۱</sup>

**چکیده:** از زمان اشغال عراق توسط آمریکا تاکنون سه دور مناقصه نفتی و گازی در این کشور برگزار شده و دور چهارم آن قرار است در ژانویه ۲۰۱۲ برگزار گردد. براساس این مناقصه‌ها، تولید روزانه نفت عراق گفته می‌شود تا سال ۲۰۱۷ به ۱۲/۵ و یا حتی ۱۳/۵ میلیون بشکه خواهد رسید. گرچه رسیدن به این سقف از تولید از نظر کارشناسان نفتی، بلندپروازانه و غیرواقعی ارزیابی می‌شود. برخی کارشناسان رسیدن به سطح تولید ۶ تا ۸ میلیون بشکه در روز را به واقعیت نزدیک‌تر می‌دانند. با این حال سؤال مطروحه این است که تبعات چنین بلندپروازی‌هایی برای آینده بازار جهانی نفت و قدرت نسبی شرکت‌های ملی در مقابل شرکت‌های بین‌المللی نفت به چه صورتی قابل تصور خواهد بود؟ وانگهی آیا ترجمان چنین اقداماتی بر حسب آینده سیاسی و رفاه اقتصادی عراق می‌تواند امیدوارکننده باشد؟

نوشتار حاضر بر این باور است که اولاً دست‌یازی دولت عراق به چنین بلندپروازی‌هایی، می‌تواند بیان‌گر نقطه دیگری از سیاست نفتی به لحاظ تاریخی اسیر افراط و تفریط این کشور باشد. ثانیاً در صورت تحقق چنین اقدامات بلندپروازانه‌ای، انتظار می‌رود کاهش بیشتر قدرت نسبی شرکت‌های ملی نفت جهان در مقابل شرکت‌های بین‌المللی نفت و کاهش قیمت نفت و تنزل درآمد و رفاه تولیدکنندگان نفت اوپک را در پی داشته باشد. از نظر سیاستی، پیامدهای چنان اقدامات نه‌چندان هوشمندانه و مدبرانه چه بسا کمتر از تجزیه عراق به معنا و مفهومی مدرن نخواهد بود.

**واژگان کلیدی:** مناقصه‌های نفتی و گازی عراق، اوپک، آمریکا، عربستان، بازار نفت، انرژی.

۱. دکتر علی بی‌نیاز، کارشناس ارشد سیاسی معاونت آموزش و پژوهش و مدیر گروه مطالعات اقتصاد بین‌الملل و انرژی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی [biniaza@yahoo.com](mailto:biniaza@yahoo.com)

## ۱. مقدمه

عراق کشوری با ۱۶۹۲۳۴ مایل مربع<sup>۱</sup> مساحت، ۳۱ میلیون نفر جمعیت، ۵۰۵ میلیارد بشکه نفت در جا و حداقل ۱۱۵ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال می‌باشد.<sup>۲</sup> عراق دارای ۷۸ میدان نفتی شناخته‌شده و ۹ میدان بسیار بزرگ نفتی<sup>۳</sup> هر یک با ذخیره نفتی قابل استحصالی بالغ بر بیش از ۵ میلیارد بشکه می‌باشد. نود درصد از درآمدهای ارزی این کشور به صادرات نفت وابسته است. گفته می‌شود هزینه تولید نفت در این کشور در زمره پایین‌ترین هزینه‌های ممکن است. در مناطق جنوبی این کشور هزینه تولید هر بشکه نفت بین ۱/۵ تا ۱/۸ دلار برآورد می‌شود.<sup>۴</sup> نود درصد از خاک عراق در بخش صحرای غربی با احتمال دارا بودن حدود صد میلیارد بشکه نفت، هنوز مورد پیمایش و اکتشاف قرار نگرفته است. به این ترتیب چشم‌انداز ذخایر نفتی این کشور به شکل قابل توجهی رو به افزایش ارزیابی می‌شود.

نه تنها سیاست نفتی این کشور در دهه ۱۹۷۰ بر مبنای دشمنی با دولت‌های غربی و شرکت‌های بین‌المللی نفت رقم خورد و این امر - باتوجه به وسعت ذخایر و کیفیت بالای منابع نفتی این کشور - معنا و مفهومی قابل توجه را برای بازارهای نفتی جهان و سیاست نفتی سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) به همراه داشت که چرخش در سیاست نفتی این کشور در حال حاضر و در آینده به سود شرکت‌های بین‌المللی نفت هم می‌تواند معنا و مفهومی متفاوت را برای سیاست جهانی و منطقه‌ای نفت، گاز و انرژی در آینده به دنبال داشته باشد. به این ترتیب، به نظر می‌رسد سیاست نفتی عراق در گذر زمان مانند پاندولی بین دو قطب افراط و تفریط در نوسان بوده است. پیش از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، اداره اطلاعات انرژی و وزارت انرژی آمریکا برآوردی از ذخایر نفتی عراق را در حد ۱۱۲ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال منتشر نمودند. بلافاصله در واکنش به این خبر، فدراسیون دانشمندان آمریکایی حجم ذخایر فوق را باتوجه به این که هنوز نود درصد از خاک عراق در صحرای غربی مورد

۱. ۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع

۲. دانشنامه آزاد ویکیپدیا حجم ذخایر ثابت شده عراق را ۱۴۳ میلیارد بشکه می‌داند. به هر حال، منابع مختلف، برآوردهای مختلفی از حجم ذخایر عراق را مطرح می‌نمایند که تفاوت‌های یاد شده اهداف این نوشتار را چندان تحت تأثیر قرار نمی‌دهند.

### 3. Super giant

۴. اما گزارش کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۵ به نقل از صفحه خانه اینترنتی محمدحسین نوروز علی « هزینه افزایش تولید نفت در این کشور برای هر یک میلیون بشکه در روز را بین ۳ تا ۵ میلیارد دلار می‌داند». رجوع شود به:

کاوش قرار نگرفته، نزدیک به ۲۱۵ میلیارد بشکه اعلام نمود (Luft, 2007). پس از اشغال عراق، جرج بوش رئیس جمهور پیشین آمریکا و نیز کنگره نمایندگان این کشور از شنیدن خبر تهیه و انتشار پیش نویس قانون نفت و گاز عراق در سال ۲۰۰۷<sup>۱</sup> اظهار شادمانی و استقبال نمودند. گزارش بخش تحقیقات کنگره آمریکا به نقل از اداره اطلاعات انرژی این کشور از این امر حاکی است که دولت آمریکا از مارس ۲۰۰۹ در راستای کمک به نوسازی صنعت نفت و گاز عراق، قول داده مبلغ ۲/۰۵ میلیارد دلار اعتبار در اختیار قرار دهد (Guner, 2010).

جو بایدن معاون رئیس جمهوری آمریکا نیز در سفر ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۹ خود به عراق،<sup>۲</sup> اعلام کرد که لازم است عراق به منظور جذب سرمایه خارجی و به مناقصه گذاشتن تعداد بیشتری از میادین نفت و گاز خود، شرایط دور دوم مناقصه‌ها را سخاوتمندانه‌تر از دور اول در نظر گیرد. آمریکایی‌ها چنین وانمود می‌کنند که هر قرارداد نفتی جدید برای عراق به معنی جذب ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی جدید، ۶۰۰ میلیون دلار درآمد اضافی و ده‌ها هزار شغل جدید برای این کشور است. آنان معتقدند با توجه به میزان ظرفیت مازاد تولید نفت ۴ میلیون بشکه ای اوپک برای بازار ۹۰ میلیون بشکه‌ای امروز جهان، بازار جهانی به نفت عراق در آینده نیاز دارد. این در حالی است که در نقطه مقابل، تحلیل‌گران دیگر سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و توسعه صنایع کوچک و متوسط را برای اقتصاد با نرخ بیکاری بالای عراق، مناسب‌تر دانسته و اصولاً بخش نفت و گاز را ایجادکننده اشتغال چندانی به حساب نمی‌آورند. در عین حال باید در نظر داشت که این حجم بالا از مناقصه‌های نفتی واگذار شده، حجم زیادی از خدمات فنی و مهندسی را برای شرکت‌های فرعی و وابسته خارجی ایجاد می‌کند که سهم عراق از اشتغال ایجاد شده معلوم نیست چه باشد. عراق در واقع سال‌هاست که از فقدان کارگران و مهندسان ماهر نفتی رنج می‌برد.

مسئولان نفتی عراق در اظهارات خود سیاست نفتی این کشور را سیاستی دور از اعمال نفوذ دولت آمریکا و تا حد زیادی سخت‌گیرانه در مقابل سودجویی خارجیان معرفی می‌کنند. آن‌ها هم‌صدا با رسانه‌های غربی اعلام می‌نمایند که به‌رغم آن که آمریکا دولتی است که گفته می‌شود با شائبه دستیابی به نفت عراق به اشغال این کشور دست یازید، با این حال شرکت‌های آمریکایی نتوانسته‌اند در مناقصه‌های نفتی و گازی

۱. این پیش نویس هنوز هم به تصویب مجلس نمایندگان این کشور نرسیده است و در نوع خود بزرگ‌ترین معضل قانونی بخش نفت و گاز می‌تواند به شمار رود.

۲. این سفر در فاصله زمانی بین دور اول و دور دوم مناقصه‌های نفتی عراق انجام شد.

اخیر عراق توفیقات چندانی را نصیب خود سازند. در عوض شرکت‌هایی از دول مخالف جنگ عراق مانند روسیه و چین با فاصله چشمگیری جلو افتاده‌اند. البته این دولتمردان و رسانه‌های غربی همصدا با آنان فراموش نموده‌اند که نه تنها میزان مشارکت شرکت‌های آمریکایی در بخش نفت و گاز کردستان عراق و نیز در خدمات فرعی واگذار شونده از سوی برندگان مناقصه‌های اخیر نفتی عراق بالاست که برای کشوری به مانند آمریکا با آن درجه از هژمونی در تولید کارآمدترین فناوری‌های نفتی روز، هر رشد حادث در بخش خدمات فنی و مهندسی نفت در هر نقطه از جهان که باشد، رشدی را هم برای صنعت نفت آمریکا در پی خواهد آورد.

وانگهی آمریکا بیش از به‌دست آوردن سهمی از کلوچه خدمات فنی و مهندسی نفت عراق، می‌تواند به باز نمودن امکان سریع، وسیع و بدون بازگشت نفت عراق به روی بازار جهانی نفت و به موازات آن، شکستن انحصار چندگانه<sup>۱</sup> نفتی کشورهای عرب خاورمیانه - آن هم با وضع شکننده امروزشان از حیث ثبات سیاسی و اجتماعی - نظر داشته باشد. هدفی که در مقام همراهی، یار دیرینه نفتی و از خودگذشته آمریکا در میدان طراحی و ساخت خط لوله باکو - تفلیس - جیحان، یعنی شرکت بی. پی، به میدان آمد و با رضایت دادن به نرخ پاداشی در هر بشکه تولید نفت مازاد به اندازه پنجاه درصد نرخ درخواست اولیه در دور اول مناقصه‌ها، طلسم بی‌نتیجه‌ماندن مناقصه‌های از یک سال پیش شروع شده را شکست و راه را بر مذاکره تعداد بیشتری از قراردادهای بعدی مناقصه گشود. هم‌اکنون نیز به نظر می‌رسد آمریکا فشار بالایی را بر دولت و پارلمان عراق در راستای تصویب پیش‌نویس قانون هیدروکربورهای عراق وارد می‌کند تا سرنوشت قراردادهای نفتی امضاشده با دولت عراق به خطر نیفتد، به‌گونه‌ای که چه بسا بتوان رابطه‌ای یک به یک و متناظر بین برنامه خروج نیروهای نظامی آمریکایی مستقر در عراق از این کشور و پیشرفت کار قراردادهای نفتی دید.

البته رسانه‌های غربی افتخار این همه پیروزی را به نام دولت عراق و سیاست سخت‌گیرانه آن کشور در حیطه نفت و گاز ثبت نموده‌اند. افتخاری که بر آن اساس دولت عراق موفق شده تا با تحمیل شرایط درخواستی خود بر شرکت‌های نفتی بین‌المللی، رکورد جدیدی از دریافت خدمات فنی و مهندسی ارزان قیمت نفت را از این شرکت‌های غول‌پیکر به ثبت رساند. طنز تلخ این است که به‌رغم این همه افتخارات، چرا در رسانه‌ها از مناقصه‌های نفتی و گازی اخیر عراق با عنوان مناقصه‌هایی بی‌سابقه در تاریخ ۱۵۰ ساله نفت جهان یاد می‌شود.

به هر حال، مناقشه‌های نفتی و گازی شروع شده از سال ۲۰۰۸ تاکنون، انتظار چشم‌انداز تولید نفتی را در حدود ۱۲ میلیون بشکه در روز مطرح می‌سازند. وزیر نفت عراق اعلام نموده به واسطه این قراردادها انتظار می‌رود با برداشت ۶۰ میلیارد بشکه از ذخایر نفتی عراق، درآمدی را معادل ۴/۲ تریلیون دلار نصیب دولت این کشور سازند (Bloomberg: 2010). نفع عایدی از این قراردادها برای دولت عراق نسبت به شرکت‌های بین‌المللی توسعه‌دهنده میادین عراق از نظر وزیر نفت عراق، معادل ۹۹ درصد خواهد بود. این چشم‌انداز ترسیمی، از ابعاد مختلف البته مورد تردید قرار گرفته است. نه تنها به لحاظ زیرساخت‌های فیزیکی و مواصلاتی ضعیف عراق و ضعف‌های فنی و حقوقی مفرط در صنعت نفت و دولت این کشور، بلکه به واسطه عدم درک کافی دولت از تحولات آینده بازار جهانی نفت. همچنین، شاهد برخی عقب‌نشینی‌های کلامی در گوشه و کنار از مسئولین عراقی بوده‌ایم.

حال با این توصیفات، سؤال اینست که معنا و مفهوم بلندپروازی‌های نفتی اخیر عراق از منظر تأثیر آن‌ها بر قدرت نفتی اوپک و بر ساختار شرکت‌های ملی نفت در مقابل شرکت‌های بین‌المللی نفت چه خواهد بود؟ ثانیاً تغییرات ساختاری از این دست در بازار جهانی نفت برای حق حاکمیت و استقلال سیاسی عراق، نیز رفاه اقتصادی این کشور و کشورهای همکار آن در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) چه نتیجه‌ای را به بار خواهد آورد؟ به عبارت دیگر، آیا عراق خواهد توانست به ۴/۲ تریلیون دلار درآمد نفتی مورد انتظار خود در تعقیب مناقشه‌های اخیر نفتی و گازی دست یافته و بهروزی اقتصادی اتباع خود و استقلال سیاسی کشور را رقم زند؟

البته باید خاطر نشان ساخت که مناقشه‌های اخیر نفتی و گازی عراق از زاویه دیگری هم قابل تحلیل است که در این مجال امکان پرداختن به آن وجود ندارد. به عنوان مثال، نگاهی از زاویه دید نظریه بازی‌ها به نحوه مدیریت نفت و گاز در قانون اساسی عراق و نیز در پیش‌نویس قانون هیدروکربورهای تهیه‌شده در این کشور که هنوز از تصویب پارلمان عراق نگذشته، ما را می‌تواند به این جمع‌بندی برساند که چارچوب قانونی موجود در عراق، می‌تواند تولید نفت مازاد و بی‌رویه را تشویق نموده و زنگ فروپاشی درونی سیاست نفتی یک‌پارچه و منسجم در عراق را به صدا درآورد. ابهامات حقوقی در ساختار قراردادهای اخیر نفتی و گازی عراق می‌تواند تلویحات ناروایی را برحسب امکان آسیب‌پذیری حق حاکمیت و استقلال سیاسی عراق در آینده در پی داشته باشند.

با این مقدمه، ساختار نوشتار حاضر در ادامه به شرح زیر می‌باشد: قسمت دوم به صورت گذرا پیشینه سیاست نفتی عراق را مرور می‌نماید. قسمت سوم، کلیات

مناقصه‌های نفتی و گازی اخیر عراق و برنده‌ها را تا حدی که اطلاعاتشان در دسترس است، بیان می‌نماید. قسمت چهارم، به تغییرات محتمل در قدرت نفتی و ساختار شرکت‌های ملی نفت در مقابل شرکت‌های بین‌المللی نفت در راستای عملیاتی شدن مناقصه‌های اخیر نفتی و گازی عراق می‌پردازد. در قسمت پنجم، به صورت گذرا معنا و مفهوم تغییرات یاد شده برحسب تأثیر آن بر قیمت‌های نفت در آینده و در نتیجه بر درآمدهای نفتی کشورهای عضو اوپک از جمله عراق مورد اشاره قرار می‌گیرد. قسمت ششم به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

## ۲. پیشینه سیاست نفتی عراق

نفت عراق از دهه ۱۹۲۰ به بعد با مشارکت کنسرسیومی از شرکت‌های نفتی با اکثریت انگلیسی و اقلیت فرانسوی و آمریکایی مانند بی. پی، رویال داچ شل، اگزان موبیل و سی. اف. پی فرانسه، تحت عنوان «شرکت نفت عراق» مورد اکتشاف و بهره‌برداری قرار گرفت. اما در این شرکت کنسرسیومی، همواره اختلافی بین جبهه شرکت‌های انگلیسی آمریکایی از یک سو و شرکت‌های فرانسوی و دولت عراق از سوی دیگر بر سر منافع ناشی از تولید نفت وجود داشت. شرکت‌های انگلیسی - آمریکایی در پی کاهش تولید در عراق به منظور حداکثرسازی قیمت و سود خود بودند.<sup>۱</sup> همین عامل گفته شده است که می‌تواند یکی از دلایل مهم بی‌ثباتی‌های سیاسی عراق و تجربه خشونت‌بار کودتا و سرنگونی در سال‌های بعد باشد؛ چرا که عملکرد کنسرسیوم نفتی عراق، درآمد کافی را برای توسعه و عمران این کشور در اختیار دولت عراق نمی‌گذاشت. به هر حال، در پی انجام کودتای عبدالکریم قاسم بر ضد فیصل در ۱۹۵۸، مذاکراتی در سال بعد بین دولت عراق و کنسرسیوم نفت عراق شروع شد. این مذاکرات در خصوص امکان در اختیار گرفتن شصت درصد از مناطق تحت پوشش امتیاز نفت و در اختیار کنسرسیوم نفت عراق به دولت عراق و نیز دو برابر نمودن تولید نفت و ساخت یک پالایشگاه در عراق بود. منتهی سرسختی و مقاومت کنسرسیوم در مقابل دولت عراق، راهی را برای ادامه مسالمت‌آمیز مذاکرات باقی نگذاشت. تا این که مذاکرات فوق در اکتبر ۱۹۶۱ - یعنی تقریباً مقارن با تأسیس سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) - پایان یافت و این کشور به اولین دور از ملی نمودن صنعت نفت خود دست زد،

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به تارنمای زیر:

فرآیندی که با ملی نمودن دارایی‌های کنسرسیوم نفت عراق در اول ژوئن ۱۹۷۲ کامل شد. به این ترتیب، زمینه تأسیس شرکت ملی نفت عراق در سال ۱۹۶۴ فراهم آمد و سیاست نفتی عراق<sup>۱</sup> بر مبنای صادرات نفت در خارج از حیطه نفوذ شرکت‌های بین‌المللی نفتی و کمک به اهداف تولیدی سازمان اوپک و فرموله نمودن راهبرد نفتی این سازمان به‌گونه‌ای که افزایش قیمت نفت در سرلوحه اهداف باشد، دنبال شد.

از سال ۱۹۶۷ به بعد صنعت نفت عراق به صورت محدود از خدمات فنی و مهندسی شرکت‌های خارجی هم چون شرکت الف فرانسوی و براس پتروی برزیل در برخی میداین نفتی خود مانند مجنون و نهر عمر استفاده نمود. همچنین، مقارن سال ۱۹۶۹ دولت عراق دو قرارداد نفتی با اتحاد شوروی سابق بست. در واقع، در این سال‌ها عراق به جانب دریافت کمک از فرانسه و روسیه در راستای پیشبرد سیاست نفتی خود چشم امید داشت.

در نوامبر سال ۱۹۶۷ شرکت ملی نفت عراق قراردادی را با شرکت فرانسوی برای توسعه برخی میداین نفتی بزرگ خود (اما نه در شمال رمیله)، بر مبنای قانون مصادره اراضی نفتی از کنسرسیوم، موسوم به قانون ۸۰ به امضاء رسانید که بعداً مورد اعتراض کنسرسیوم قرار گرفت. هم چنین به منظور توسعه میدانی که از قبل در شمال رمیله توسعه یافته بود، شرکت ملی نفت عراق در سال ۱۹۶۷ به شوروی سابق روی آورد. این همکاری‌ها بعداً نیز ادامه یافت.

به این ترتیب، حال احتمالاً راحت تر بتوان به بخشی از دلایل مخالفت فرانسه با جنگ آمریکا بر ضد رژیم بعثی صدام و نیز خطونشان کشیدن روس‌ها پس از شروع لشکرکشی آمریکا به عراق مبنی بر این که به آمریکایی‌ها خواهند فهماند که معنا و مفهوم عمل نمودن در خارج از چارچوب سازمان ملل چیست، پی برد. وزارت نفت عراق در ۱۹۷۶ تأسیس شد و در سال ۱۹۸۰ چهار شرکت دولتی نفتی از جمله شرکت بازاریابی نفت عراق تأسیس شدند. در ۱۹۸۷ شرکت ملی نفت عراق در وزارت نفت این کشور ادغام شد.

در نتیجه سیاست‌های چپ‌گرایانه نفتی دولت عراق در دوره حاکمیت حزب بعث و اعمال تحریم‌های اقتصادی بر ضد این کشور، زیرساخت‌های فیزیکی، فنی و

---

۱. جالب است که کودتای حزب بعث نیز در همین ایام یعنی در سال ۱۹۶۸ اتفاق افتاد، حزبی که چپ‌گرایی اساس سیاست‌های آن را در آینده تشکیل داد. برای اطلاعات بیشتر به آدرس زیر از دانشنامه اسلامیکا در باره حزب بعث مراجعه شود:



حقوقی در صنعت نفت عراق ضعیف باقی مانده است. میدان نفتی رمیله به عنوان بزرگ‌ترین میدان نفتی عراق با ۱/۶ میلیون بشکه تولید نفت روزانه در جنوب عراق قرار دارد. با این حال فرآیند تولید از مدیریت ضعیف نگهداری مخزن، حفاری‌های بیش از اندازه، پوسیدگی لوله‌ها به‌خصوص آن بخش از لوله‌ها که میادین نفتی را به اسکله بارگیری دریایی وصل نموده و در زیر آب قرار دارند، رنج می‌برد. حتی اخیراً رسانه‌ها گزارش نمودند که به منظور کاستن از میزان فشار نفت بر جداره لوله‌های حامل که احتمال نشت نفت را ممکن است در پی داشته باشند، عراق از تزریق ماده‌های شیمیایی در نفت استفاده می‌نماید.

در نتیجه این ضعف‌های ساختاری، در دهه‌های گذشته تولید نفت عراق از سیر کاهشی برخوردار بوده است. به عنوان مثال، عراق در سال ۱۹۷۹ روزانه ۴ میلیون بشکه نفت تولید می‌کرد که این میزان در سال ۱۹۹۰ به ۳/۵ میلیون بشکه کاهش یافت. با شروع جنگ اول خلیج فارس و حمله صدام به کویت، تولید نفت عراق به یک باره به ۳۰۰/۰۰۰ بشکه در روز کاهش یافت. مسئولین نفتی عراق انتظار داشتند تا سال ۲۰۰۰ سطح تولید نفت را به ۳/۵ میلیون بشکه در روز قبلی افزایش دهند که این مقصود باتوجه به ادامه کارکرد ضعیف زیرساخت‌های صنعت نفت عراق و مخالفت سازمان ملل متحد با در اختیار گذاشتن تجهیزات لازم جهت بازسازی این صنعت، عملی نشد. در نتیجه، عراق تا سال ۲۰۰۲ نتوانست به تولید ۲/۵ میلیون بشکه در روز نزدیک شود.

پترو/اکنومیسست در ژانویه ۲۰۱۱ گزارش داد: تولید نفت عراق به سطح ۲/۴۵ میلیون بشکه در روز رسیده است. مسئولین نفتی عراق تولید این کشور را در حال حاضر معادل ۲/۷ میلیون بشکه در روز می‌دانند. گفته می‌شود افزایش تولیدی معادل ۲۰۰/۰۰۰ تا ۲۵۰/۰۰۰ بشکه در روز هم تا پایان سال ۲۰۱۱ در انتظار صنعت نفت عراق می‌باشد. یک سرمایه‌گذاری عمده در بخش نفت، می‌تواند به راحتی تولید نفت این کشور را در سال‌های بعد به ۳ تا ۵ میلیون بشکه در روز افزایش دهد.

اداره اطلاعات انرژی آمریکا معتقد است تا سال ۲۰۱۵ با افزایش تولید یک میلیون بشکه دیگر، تولید نفت عراق به ۳/۷ میلیون بشکه در روز بالغ خواهد شد که در آن زمان عراق می‌تواند تولید نفت ایران را پشت سر گذارد. به این ترتیب، زمینه برای پایان یافتن غیبت ۲۱ ساله عراق در نظام سهمیه‌بندی‌های اوپک فراهم خواهد آمد. درقبال ورود نفت عراق به نظام سهمیه‌های اوپک، کشورهای دیگر عضو مجبور خواهند شد سهمیه نفت خود را کاهش دهند و این امر به تغییر موازنه قدرت در درون اوپک دامن خواهد زد. با این حال، یک مسئول نفتی عراق، چنین اظهار داشته که عراق پس از ترمیم تولید خود در سال‌های آتی، مستحق جبران در نظام سهمیه‌های اوپک خواهد



بود. چنین اظهارنظری - هر چند عجولانه - اما فرضی جز احتمال خروج عراق از سازمان کشورهای صادرکننده نفت را علامت نمی‌دهد.

به این ترتیب، تا آنجا که به سیاست نفتی عراق در آینده مربوط می‌شود، روشن است که از نظر غربی‌ها عراق در آینده با دو گزینه اساسی مواجه خواهد بود. گزینه اول تجدید حیات شرکت ملی نفت عراق براساس راهبردهایی مشابه با راهبردهای دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، که در آن صورت عراق به یک رهبر نفتی در اوپک تبدیل خواهد شد و با مشارکت سایر اعضای سازمان اوپک، سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت خود را در راستای ثابت نگه داشتن قیمت‌های بالای نفتی در بازار جهانی، برای دوره قابل توجهی از زمان محدود نگه خواهد داشت تا آن که فناوری‌های جدید انرژی جهت پایان دادن به این وضع و کارا نمودن بهره‌برداری از انرژی‌های فسیلی توسط کشورهای مصرف‌کننده در بازار جهانی ابداع و معرفی گردند. گزینه دوم اینست که عراق با تجدید ساختار صنعت نفت خود اجازه دهد تا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب شده و خصوصی‌سازی در بخش نفت این کشور صورت پذیرفته و به این ترتیب رقابت بین عملیات نفتی در داخل کشور سبب رقابت بیشتر در بازار جهانی نفت گردیده و به کاهش قیمت‌های انرژی در خلال زمان منجر گردد. گزینه اخیر مشابه همان فرض شرکت‌های ملی نفت با کارکرد بین‌المللی می‌باشد که در این نوشتار مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

جهان در قرن حاضر در حال جابه‌جاشدن از تولید و مصرف انرژی‌های فسیلی به سوی تولید و مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر است. به نظر می‌رسد وابستگی شدید بخش‌هایی از اقتصاد جهانی همچون حمل‌ونقل به مصرف نفت ادامه خواهد یافت. این بدان معنی است که تمام ذخایر موجود انرژی‌های فسیلی جهان در یک بازه نسبتاً قابل توجه زمانی مورد نیاز خواهد بود. بنابراین کشورهای منطقه سرشار از انرژی‌های فسیلی خلیج فارس، نه تنها به صرفه‌شان نخواهد بود که مانند گذشته بر طبل افزایش قیمت‌های نفت در آینده بکوبند که از دیگر سو هم دلیلی وجود ندارد که بخواهند با تک‌روی، بلندپروازی‌های خیال‌پردازانه و فریب هیمنه سیاسی و یا مشورت‌های فنی احتمالاً مزورانه قدرت‌های غربی را خوردن، عملاً در راهی قرار گیرند که چوب حراج به دارایی‌های فسیلی آنان بخورد. به این ترتیب، کشورهای عضو اوپک به هماهنگی با یکدیگر و تشریک مساعی صادقانه به منظور اتخاذ رویه‌ای عادلانه در تولید و قیمت‌گذاری نیاز دارند. همچنان که اینان به گفتگو با کشورهای مصرف‌کننده در هیأتی جمعی و به منظور مرتبط‌ساختن تولید و انتقال انرژی‌های فسیلی با دریافت و توسعه

فناوری‌های پاک فسیلی و غیرفسیلی نیاز خواهند داشت. بی‌تردید، عراق از این قاعده مستثنی نیست.

### ۳. مناقصه‌های نفت و گاز

پنج سال پس از اشغال عراق، در ۱۳ اکتبر ۲۰۰۸، نشست‌های به دور از دسترسی اصحاب رسانه در لندن بین حسین شهبزستانی وزیر نفت عراق و مسئولانی از شرکت‌های معظم بین‌المللی نفت همچون رویال داچ شل، شورو، بریتیش گس و بی.پی برگزار شد (Satter, 2008). بعداً در این نشست انجام‌شده در پشت درهای بسته - که کیفیت برگزاری آن نگرانی برخی شرکت‌های دست‌اندرکار نفت و گاز جهان را دامن زد - معلوم شد مناقصه‌هایی برای پوشش‌دادن به ۸۲ درصد از میادین نفتی عراق جهت توسعه و تولید پیشنهاد شده بود. به هر حال، یازده ماه بعد در سپتامبر سال ۲۰۰۹ وزارت نفت عراق این مذاکرات را به دلیل بیش از حد طولانی‌شدن دوره انتظار جهت رسیدن به هرگونه توافق، پایان یافته تلقی نموده و دست به کار اعلام مناقصه‌هایی آشکار و تلویزیونی شد. تا زمان نگارش این نوشتار سه دور از این مناقصه‌ها پایان یافته و دور چهارم آن هم در ژانویه سال ۲۰۱۲ برگزار می‌گردد (Iraq-business news, 2011). شرایط عمومی این مناقصه‌ها به این صورت است که پس از تعیین صلاحیت شرکت‌های علاقمند به شرکت در مناقصه، برای هر میدان، یک حداقل تولیدی توسط وزارت نفت عراق نزدیک به سطح تولید فعلی میدان در نظر گرفته می‌شود و به شرکت‌های حاضر در مناقصه گفته می‌شود که تا آن حد از تولید، پاداشی فراتر از هزینه‌های تولیدی انجام‌شده‌شان تعلق نمی‌گیرد. فراتر از آن سطح تولید، نرخ پاداشی در هر بشکه توسط وزارت نفت پیشنهاد می‌شود و شرکت‌ها با ملاحظه مشخصات فنی میدان، نرخ پاداش پیشنهادی متفاوت خود در هر بشکه تولید را مطرح می‌نمایند (Walt, 2009). میدان نفتی به شرکتی واگذار خواهد شد که از نظر وزارت عراق در این باره به بهترین وجه خواسته دولت را تأمین نموده باشد. علاوه بر این، برنده مناقصه موظف است مبلغی از قبل تعیین‌شده را به عنوان حق امضای قرارداد به وزارت نفت عراق بپردازد که از آن شرکت‌ها به «امتیاز وام نرم» یاد نموده‌اند.

دولت عراق ابتدا مجموع پرداخت اخیر (امتیاز وام نرم) را در حد ۲/۶ میلیارد دلار در نظر گرفته بود که باتوجه به عدم استقبال شرکت‌ها از انعقاد قرارداد در دور اول مناقصه‌ها، عدد فوق را به ۱/۶ میلیارد دلار کاهش داد. بالاخره این که قراردادهای پیشنهادی از نوع خدماتی هستند و مدت آن‌ها بیست سال در نظر گرفته شده که تا

پنج سال دیگر هم قابل‌تمدید می‌باشند و شرکت‌های طرف قرارداد دولت اقلیم کردستان از شرکت در مناقصه‌های دولت مرکزی ممنوع شده‌اند.<sup>۱</sup>

#### ۴. بلندپروازی‌های نفتی و گازی اخیر عراق و ساختار آینده بازار نفت

ریشه بلندپروازی‌های اخیر نفتی عراق را می‌توان از سه زاویه متفاوت مورد بررسی و جستجو قرار داد. زاویه و فضای اول، به تاریخ نفت عراق و سیاست نفتی این کشور برمی‌گردد که پیشتر شرح آن گذشت. این فضای تاریخی همچنان که گذشت همواره بر مدار افراط و تفریط چرخیده و در نتیجه هیچ‌گاه این کشور نتوانسته به فراخور شأن و منزلت ذخایر نفتی خود، از درآمدهای حاصل از نفت در جهت عمران و آبادانی و توسعه اقتصادی بهره‌برداری نماید. چه بسا همین ذهنیت، البته به صورت منفی در آینده بر روابط عراق و اوپک حاکم گردد. همچنان که این روزها هم زرمه‌هایی مبنی بر درخواست معافیت عراق در آینده از شمول سهمیه‌های اوپک البته پس از ترمیم چشم‌انداز تولید فعلی نفت این کشور شنیده می‌شود. این عطش بی‌پاسخ مانده در طول دهه‌ها، به نظر می‌رسد در ضمیرناخودآگاه دولتمردان امروز عراق حضور داشته و آنان را در فضای تصمیم‌گیری راجع به توسعه میادین نفتی و گازی به سوی بلندپروازی هدایت می‌کند.

زاویه دید و فضای دوم به تنظیمات قانون اساسی عراق درباره چگونگی تدبیر و مدیریت منابع نفتی و گازی عراق در وهله اول و به پیش‌نویس قانون هیدروکربورهای تهیه شده جهت مدیریت منابع نفت و گاز عراق در وهله دوم برمی‌گردد (Iraq Oil Forum, 2011). لازم به یادآوری است که پیش‌نویس قانون هیدروکربورهای عراق در سال ۲۰۰۷ میلادی تهیه و منتشر شد. اما تاکنون این طرح نتوانسته از تصویب مجلس نمایندگان این کشور بگذرد. چارچوب قانونی فوق به نظر می‌رسد شرایطی را به وجود می‌آورد که به موجب آن می‌توان گفت دیگر یک سیاست نفتی و گازی یک‌پارچه در عراق وجود نخواهد داشت. زیرا این تنظیمات قانونی، بازیگران صحنه را در سطح محلی و نیز در سطح منطقه‌های سه‌گانه عراق، همچنین در سطح مرکزی به طور هم‌زمان به میدان عطش‌ورزی نسبت به فعالیت‌های نفتی و گاز بیشتر و بیشتر کشانیده و سازوکاری را در مدیریت و توزیع درآمدهای نفت و گاز پیشنهاد می‌کند که به موجب آن همه به سوی تولید بیش از حد لازم و غیرمنطبق با ملاحظات ژئوپلیتیک و ملاحظات

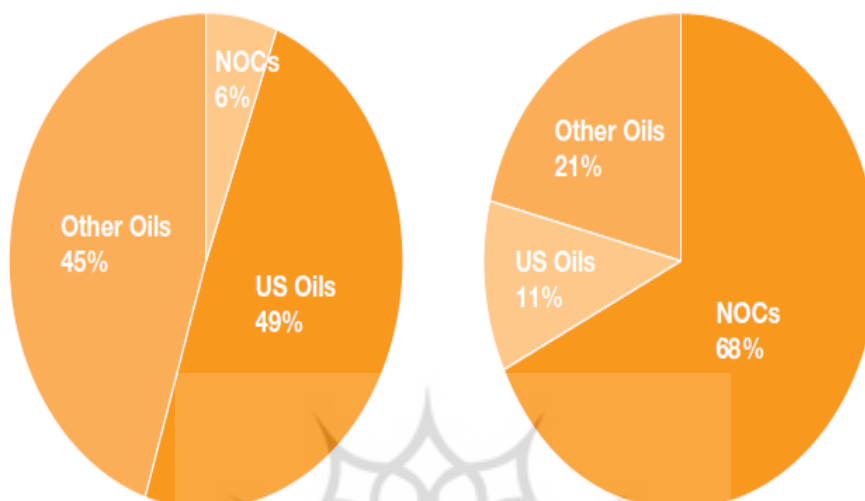
۱. اطلاعات تفصیلی مربوط به مناقصه‌های سه‌گانه نفتی و گازی اخیر عراق از اسناد موجود در صفحه خانه‌های الکترونیکی روی خط Iraq Oil Forum و بعضاً Iraq Oil Report قابل دریافت است.

بازاری سوق می‌یابند. اعتراضات مطرح شده در سطوح مختلف و نیز اختلافات موجود در صحنه سیاسی عراق امروز به خوبی نشان می‌دهد که چارچوب قانونی در نظر گرفته شده برای مدیریت نفت و گاز عراق مشکل‌آفرین است.

زاویه دید و فضای سوم به رانده شدن تدریجی شرکت‌های بین‌المللی نفت از مالکیت بر ذخایر غنی نفتی کشورهای خاورمیانه در پی موج ملی‌شدن صنعت نفت برمی‌گردد. شکل‌گیری این فضا به دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد. از آن پس، از سویی شرکت‌های بین‌المللی نفت ذخیره نفت چندانی را در اختیار ندارند و از سوی دیگر تحت فشار زیادی از سوی کشورهای متبوع خود به علت پایان‌پذیری نسبی ذخایر نفتی وطنی‌شان قرار دارند. طبیعی است که در چنین فضایی یک مأموریت سه‌وجهی و هماهنگ با شرکت وزارت‌خانه‌های امور خارجه کشورهای متبوع، شرکت‌های بین‌المللی فنی، مهندسی خدمات نفتی و شرکت‌های بین‌المللی نفت به منظور تضمین بلندمدت امنیت انرژی کشورهای متبوع شرکت‌های بین‌المللی شکل گیرد. مأموریتی که در مرکز آن وزارت‌خانه‌های امور خارجه نقش فرماندهی و هدایت معنوی و سیاسی را برعهده دارند و عملگرها نقش‌های بازاری و بازرگانی را. در چنین فضایی سودجویی شرکت‌های بین‌المللی را وا می‌دارد تا از طریق لابی سیاسی و بهره‌برداری از قدرت سیاسی دول متبوع خود به میادین سبز نفتی و به آن دسته از ذخایر نفتی که تاکنون شانس توسعه کافی نداشته لکن چشم‌انداز تولیدی جذابی را به نمایش می‌گذارند، برگشته و با فراهم‌آوردن نرخ‌های جذاب خدماتی در کسب و کار اقتصاد نفت این کشورها بار دیگر وارد شوند.

نمودار ۱ وضعیت تولید نفت در سال‌های ۱۹۷۰ و ۲۰۰۵ را با یکدیگر مقایسه می‌کند. در سال ۱۹۷۰، در حالی که آمریکا ۴۹ درصد از تولید نفت جهانی را در اختیار داشت، شرکت‌های ملی نفت تنها ۶ درصد از تولید جهانی نفت را در اختیار داشتند و ۴۵ درصد دیگر از تولید هم به شرکت‌های بین‌المللی نفت غیرآمریکایی اختصاص داشت. این تصویر در اثر ملی‌نمودن‌های دهه ۱۹۷۰ تطور یافت. به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۰۵، سهم شرکت‌های ملی نفت از تولید جهانی به ۶۸ درصد افزایش یافته است. در مقابل سهم آمریکا به ۱۱ درصد کاهش یافته و سایر شرکت‌های بین‌المللی هم سهم تولیدشان به ۲۱ درصد کاهش یافته است.

نمودار ۱. تولید نفت در سال‌های ۱۹۷۰ (سمت چپ) و ۲۰۰۵ (سمت راست)



به عبارت دیگر، در حالی که در سال ۱۹۷۰، از پنجاه میلیون بشکه نفت تولیدی جهان تنها سه میلیون بشکه به شرکت‌های ملی نفت اختصاص داشت و بقیه چهل و هفت میلیون بشکه نفت تولیدی تقریباً به طور یکسان بین شرکت‌های آمریکایی و سایر شرکت‌های بین‌المللی نفت تقسیم می‌شد، در سال ۲۰۰۵ از هشتاد میلیون بشکه نفت تولیدی جهان، پنجاه و چهار میلیون بشکه از آن شرکت‌های ملی نفت بود. این بدان معنی است که سهم شرکت‌های بین‌المللی نفت از چهل و هفت میلیون بشکه در سال ۱۹۷۰ به بیست و شش میلیون بشکه در سال ۲۰۰۵ کاهش یافته است. چنین تحول عمیقی، شرکت‌های بین‌المللی نفت را بر آن داشت تا گروه جدیدی از شرکت‌های نفتی را به میدان آورند که آنان را غالباً نه به‌عنوان رقیب شرکت‌های ملی نفت که به‌عنوان معاضد و همکار آنان در توسعه و اکتشاف می‌شناسند.

اینان شرکت‌های بین‌المللی فنی، مهندسی خدمات نفتی هستند. آنچه امروز در عراق در تعقیب مناقصه‌های پذیرفته‌شده نفتی و گازی شاهد آن هستیم، حضور هر دو دسته از شرکت‌های یادشده می‌باشد. از سویی، شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفتی و گازی با استفاده از تجربیات ممتد و شهرت بالای فنی خود، به‌عنوان توسعه‌دهنده میادین ظاهر می‌شوند. از سوی دیگر، شرکت‌های فنی و مهندسی خدمات نفتی و گازی بین‌المللی به‌عنوان پیمانکاران جزء، عملیات مختلف نفتی و گازی را برعهده می‌گیرند. در واقع، تقسیم کار جدید، ضامن باقی‌ماندن بخش اعظم فناوری و اجرای نفت و گاز در

دست خارجیان به قرائت غربی آن خواهد بود. شرایطی که در عمل می‌توان از آن به‌عنوان واکنش غیرمهربانانه شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز در مقابل موج ملی‌نمودن صنعت نفت در کشورهای خاورمیانه یاد کرد.

حال اگر با دقت بخواهیم دریابیم که در مناقصه‌های بلندپروازانه اخیر نفتی و گازی عراق چه اتفاقی افتاده است، لازم خواهد بود به دو عامل توجه نماییم. عامل اول، تقسیم‌بندی شرکت‌های ملی نفت براساس قدرت ذخیره‌ای و تولیدی آنان است و عامل دوم، قدرت بازاری این شرکت‌ها که به نظر می‌رسد از طریق مشاهده معکوس شاخص ذخیره - نرخ تولید قابل بررسی است. این مباحث در پی می‌آیند:

#### ۱-۴. تقسیم‌بندی شرکت‌های ملی نفت جهان

اگر ذخایر ثابت‌شده نفتی و گازی در اختیار شرکت‌های ملی نفت جهان و نرخ تولید نفت روزانه این شرکت‌ها را بر حسب واحدی به نام «معادل بشکه نفت» سنجیده و ۲۵ شرکت برتر ملی نفت را برگزینیم، نمایه تولید و ذخایر به شکلی که در ضمیمه این نوشتار آمده برای سال ۲۰۰۵ در می‌آید. این ۲۵ شرکت برتر، ۸۵ درصد از ذخایر نفتی و گازی اثبات‌شده جهان را در اختیار دارند. منطقه خاورمیانه تقریباً ۵۷ درصد از ذخایر اثبات‌شده جهان را در اختیار دارد. کشور روسیه و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ۲۲ درصد و کشورهای آفریقایی هم ۹ درصد از ذخایر نفتی و گازی را در اختیار دارند. نمایه تولیدی قدری متفاوت از نمایه ذخایر از حیث درجه تمرکز جغرافیایی خواهد بود. خاورمیانه ۳۲ درصد از تولید جهانی و روسیه و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ۲۶ درصد و کشورهای خاور دور، آمریکای جنوبی و آفریقا بر روی هم ۱۲ درصد از تولید جهانی نفت و گاز را بر حسب آمارهای سال ۲۰۰۵ در اختیار دارند. نمودار ۲، این بیست و پنج شرکت ملی نفت برتر را به پنج گروه مختلف تقسیم می‌نماید (Roberge, et. al. 2007).

گروه اول، شامل شش کشور روسیه، ایران، عربستان سعودی، ونزوئلا، کویت و مکزیک می‌باشد. این کشورها به موجب قانون داخلی از در اختیار خارجی‌ها گذاشتن منابع نفتی و گازی خود منع شده و در نتیجه در قراردادهای مشارکت تولیدی شرکت نمی‌نمایند. در نمودار ۲، این کشورها با وضعیت بالایی از حیث ذخایر و نیز از نظر قدرت تولیدی نشان داده شده‌اند.

گروه دوم، شامل پنج کشور چین، هند، برزیل، نروژ و مالزی می‌باشد. شرکت‌های ملی نفت در این کشورها رفتاری بین‌المللی را در پیش گرفته و با شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز به رقابت می‌پردازند. دلیل این رفتار بین‌المللی،

پایین افتادن ذخایر نفتی و گازی و یا نرخ تولید نفت و گاز آن‌ها می‌باشد. کشورهای این گروه در جستجوی جبران کاهش منابع خود از طریق افزایش فعالیت‌های نفتی و گازی فرا مرزی می‌باشند.

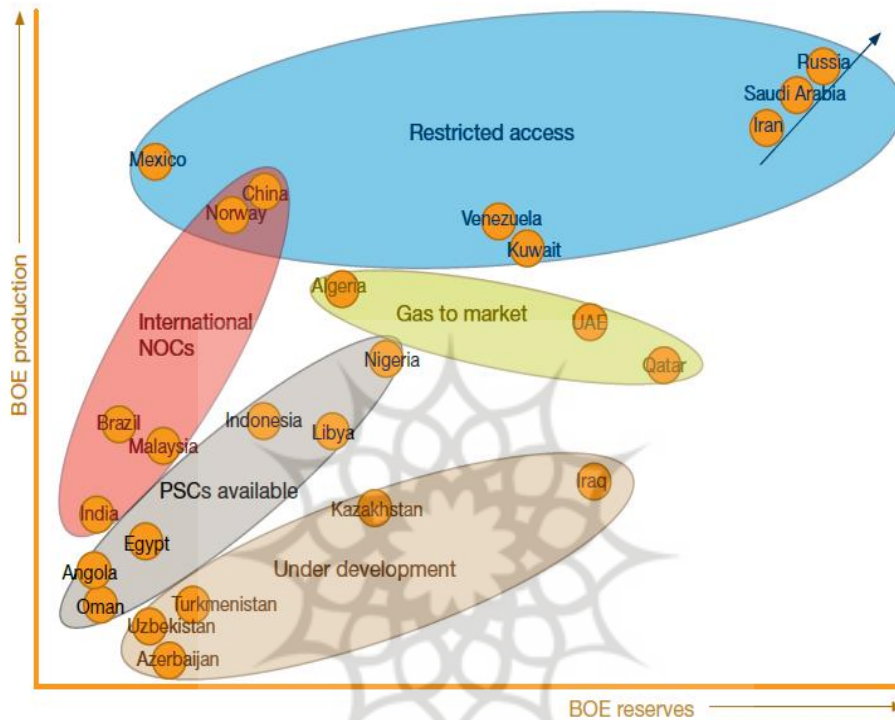
گروه سوم، شامل شش کشوری است که از نظر نسبت «ذخیره به نرخ تولید» در سطح پایین‌تری نسبت به گروه قبل قرار گرفته و قراردادهای مشارکت در تولید با شرکت‌های بین‌المللی نفت را در پیش گرفته‌اند. این گروه شامل نیجریه، اندونزی، لیبی، مصر، آنگولا و عمان می‌شود.

گروه چهارم شامل سه کشور الجزایر، امارات عربی متحده و قطر می‌شود. این کشورها مشارکت با شرکت‌های خارجی و بین‌المللی نفت و گاز را به منظور توسعه منابع گازی خود شروع کرده و با انتقال فناوری تولید ال. ان. جی. به درون کشورهايشان در زمره بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز مایع در جهان درآمده‌اند.

گروه پنجم، شامل کشورهای عراق، ازبکستان، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان می‌شود که به دلیل وجود زیرساخت‌های ضعیف در بخش نفت و گاز و عدم در اختیار داشتن نیروی انسانی ماهر و فناوری مورد نیاز نفتی در سال ۲۰۰۵ در زمره کشورهای با میادین سبز و دست نخورده طبقه بندی شده‌اند.



## نمودار ۲. دورنمای ذخیره‌های و تولیدی ۲۵ شرکت برتر ملی نفت جهان در ۲۰۰۵



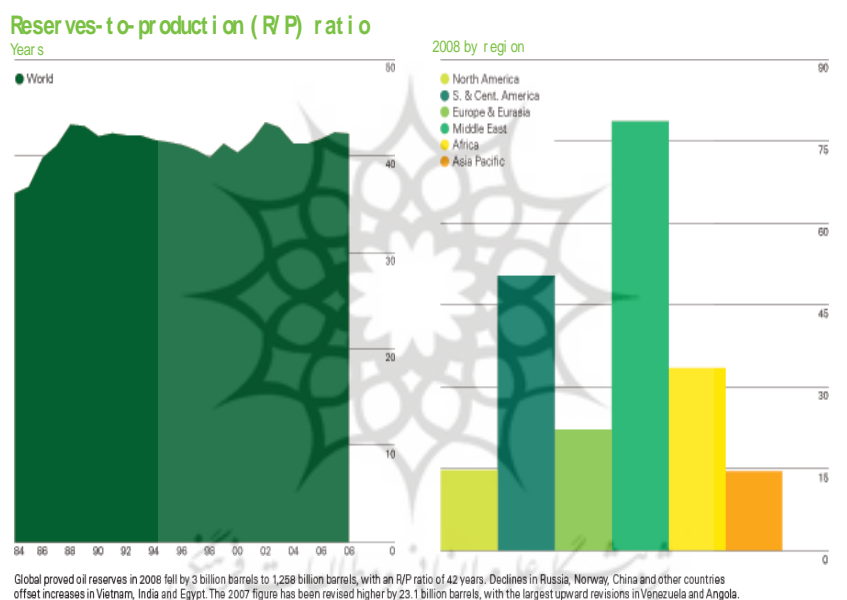
### ۲-۴. نسبت ذخیره به تولید و عکس آن در یک شرکت ملی نفت

در نمودار ۲، روشن است که تمایزی بین «قدرت ذخیره‌های» یک شرکت ملی نفت و «قدرت تولیدی» آن شرکت در نظر گرفته نشده است. در واقع، دو متغیر «ذخیره» و «تولید» به صورت هم ارز و با رابطه مستقیم با یکدیگر در نظر گرفته شده‌اند. در حالی که به نظر می‌رسد در نظر گرفتن چنان تمایزی در فهم بهتر موضوع ضرورت داشته باشد. به عبارت دیگر، اگر نسبتی را به عنوان «نسبت ذخیره به تولید» در نظر بگیریم، که معمولاً از آن با «نسبت آر - پی» یاد می‌شود، در آن صورت معیاری برای طول مدت باقی ماندن و فعالیت یک شرکت و یا کشور در بازار نفت و یا گاز به دست می‌آید. به عنوان مثال، نمودار ۳ نشان می‌دهد که منطقه خاورمیانه در حدود هشتاد سال دیگر در بازار نفت جهان برحسب نرخ‌های تولید فعلی نفت این منطقه باقی خواهد ماند. این مدت برای کل جهان در حدود چهل و پنج سال می‌باشد. یعنی به طور متوسط انتظار داریم که کل جهان برای حدود چهل و پنج سال دیگر بازاری به نام بازار

نفت داشته باشد. گرچه چنین سخنی یک ساده‌سازی از طریق نادیده‌گرفتن اوزان توزیعی است.

نمودار ۳. نسبت میزان ذخایر نفت به نرخ تولید آن در ۲۰۰۹

## Oil reserves-to-production (R/P) ratios



BP Statistical Review of World Energy June 2009

حال اگر بار دیگر به نمودار ۲ برگردیم، ملاحظه خواهیم نمود که نمودار ۲ حالت عکس نمودار ۳ را از نظر «نسبت آر - پی» به نمایش می‌گذارد. به عبارت دیگر، در حالی که در نمودار ۳ میزان دوام در بازار از طریق «نسبت ذخیره به نرخ تولید» به دست می‌آید، در نمودار ۲ قدرت چانه‌زنی در زمان حاضر از طریق «نسبت نرخ تولید به ذخیره» به دست آمده است. به این ترتیب، هر چه یک شرکت ملی در صفحه نمودار ۲ با سقف کمتری از ارتفاع و با خیز بیشتری در سطح افق نمودار حرکت نماید، از مطلوبیت بازاری و قدرت چانه‌زنی بیشتری در زمان حال برخوردار است.

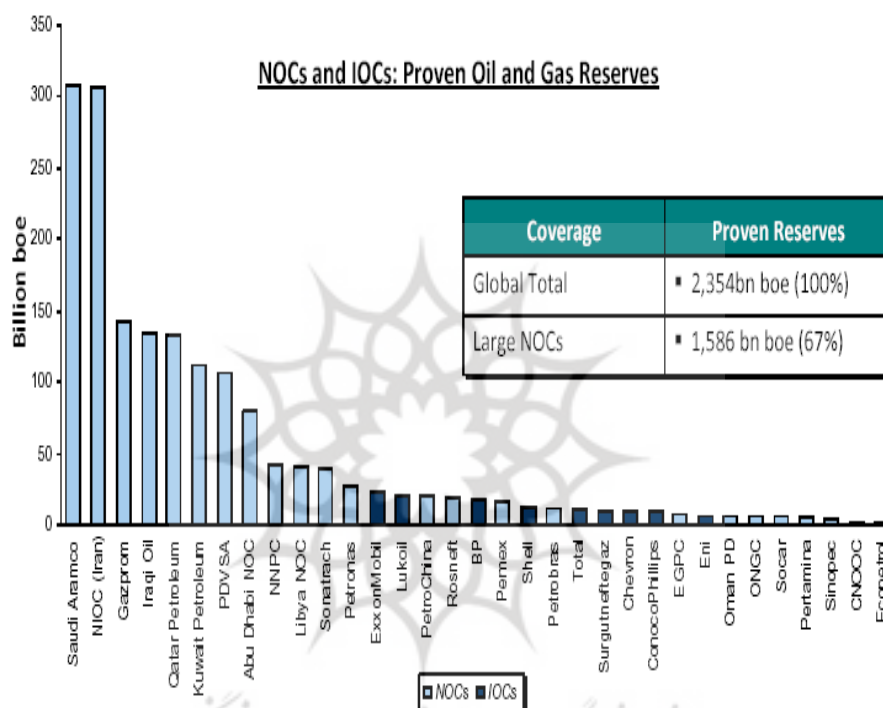
برای این که، حس واقعی‌تری از گزاره اخیر داشته باشیم، نیمساز اول در صفحه مختصات نمودار را در نظر می‌گیریم. به این ترتیب، شرکت‌هایی که در بخش پایینی خط نیمساز باشند از شرکت‌هایی که در قسمت بالایی خط نیمساز قرار دارند، دارای قدرت چانه‌زنی بیشتری می‌باشند. حال با این نگاه، روشن است که کمترین قدرت بازاری از آن گروهی از شرکت‌های ملی نفت خواهد بود که رفتاری بین‌المللی را در پیش گرفته‌اند. این گروه از سر ناچاری دست به چنین رفتاری زده‌اند. در واقع، دو کشور چین و هند از چنان نرخ بالای رشد اقتصادی در سال‌های اخیر برخوردار بوده‌اند که منابع بومی نفت و گاز آنان کفاف مصرف آینده‌شان را نمی‌دهد. مضافاً بر این، این گروه با مشکل پایین‌افتادن شدید میزان ذخایر نفتی و گازیشان مواجه هستند.

نزدیک به این گروه اما به‌مراتب قوی‌تر از آنان، آن گروه دیگر از شرکت‌های ملی نفت می‌باشند که به عنوان گروه مشارکت در تولید شناخته می‌شوند. در بین این گروه، گزینه جذابی چون لیبی وجود دارد که حال و روز آن از زمانی که از برنامه اتمی خود در سال ۲۰۰۳ دست کشیده و به قراردادهای مشارکت در تولید با شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز روی آورده تا امروز که در مرز از هم فروپاشی از بیرون و طبیعتاً تجزیه سیاست نفتی به سر می‌برد، روشن‌تر از آن است که به توضیح بیشتر نیاز داشته باشد. این گروه را می‌توان یکی از دستاوردهای درخشان شرکت‌های بین‌المللی نفتی در تعقیب دوره ملی‌شدن صنعت نفت در کشورهای در حال توسعه دانست. بی‌تردید این گروه در حال پرواز به گروه قبلی (شرکت‌های ملی نفت با خصوصیات بین‌المللی) هستند و طبیعی خواهد بود که نمودار چند سال بعد این گروه، آن‌ها را در مرز ادغام با گروه قبلی نشان دهد.

حال روشن است که مهم‌ترین رسالت امروزین شرکت‌های بین‌المللی نفت، تصاحب بازاری شرکت‌های ملی نفت گروه کشورهای با زیرساخت ضعیف نفتی است. این گروه در چند سال اخیر، در مرکز توجه شرکت‌های بین‌المللی نفت قرار داشته و میداین خود را جهت توسعه در اختیار گذاشته‌اند. آذربایجان با نرخ رشد اقتصادی بالای بیست درصد، همین‌طور قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان همه در صف هم پیوندی با شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز از طریق مشارکت در تولید هستند. اما نمونه درخشان و به‌مراتب جذاب‌تر در این گروه، به عراق اختصاص دارد که وزن ذخیره‌ای به‌مراتب بالاتر از هم گروهی‌های خود دارد، با این حال مناقصه‌های بلندپروازانه اخیر نفتی و گازی را در راستای به تصاحب بازاری در آمدن شرکت ملی نفت خود شروع نموده است. برای این که معنای چنین اقدامی را بهتر بفهمیم، نگاهی به نمودارهای ۴ و ۵ بیندازیم

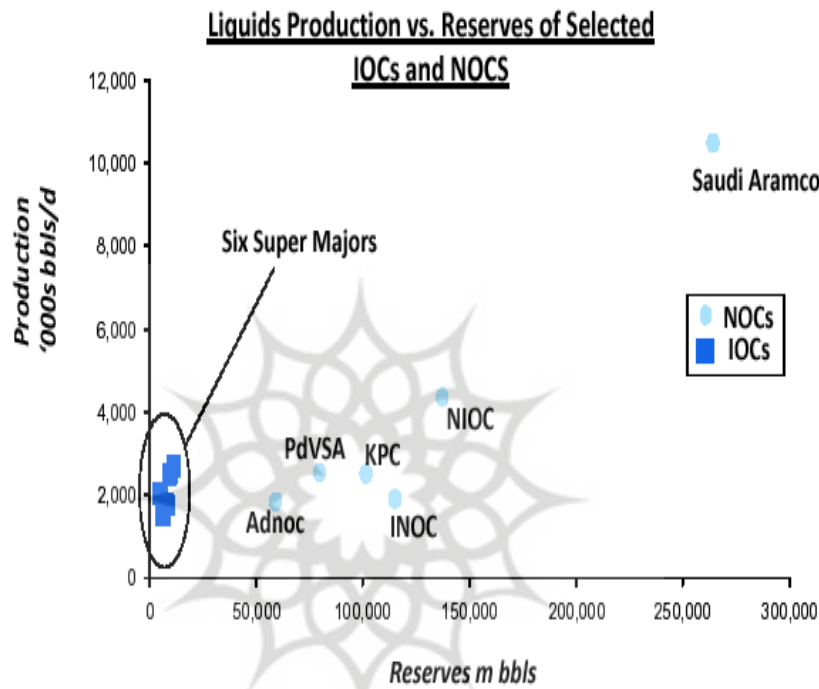
که نمایه‌ای مشترک از ذخیره و تولید شرکت‌های ملی و بین‌المللی نفت را در سال ۲۰۰۷ به ما نشان می‌دهند.

نمودار ۴. حجم ذخایر نفت و گاز شرکت‌های ملی و بین‌المللی نفت در ۲۰۰۷



نمودار ۴ سهم ذخایر نفت و گاز شرکت‌های ملی نفت در مقابل شرکت‌های بین‌المللی نفت را نشان می‌دهد. در سال ۲۰۰۷، به میزان ۶۷ درصد از ذخایر نفت و گاز جهان در اختیار شرکت‌های بزرگ ملی نفت بوده است و به این ترتیب سهم ناچیزی که در نمودار با رنگ تیره‌تر نشان داده شده است، به شرکت‌های بین‌المللی نفت اختصاص داشته است. حال اگر نسبت ذخیره به نرخ تولید را برای تعدادی برگزیده از مهم‌ترین شرکت‌های ملی و بین‌المللی نفت اشاره شده در اینجا ترسیم نماییم به نمودار ۵ در شکل زیر می‌رسیم.

نمودار ۵. نسبت ذخیره به تولید منتخبی از شرکت های ملی و بین المللی نفت در ۲۰۰۷



Note: 2006 data used for production and reserves  
Source: Ranking the World's Oil Companies 2008 - Energy Intelligence

این نمودار بار دیگر همان معیار قدرت چانه زنی و بازاری یک شرکت نفتی را به نمایش می گذارد. شش شرکت بزرگ نفتی بین المللی با داشتن ذخایر ناچیز و با فاصله کمی از محور عمودی مشخص شده و همگی در بالای نیمساز صفحه مختصات قرار گرفته اند. این بدان معنی است که دیگر شرکت های بین المللی نفت را نباید براساس دارایی آن ها از ذخایر نفتی و گازی شان سنجید. بلکه این شرکت ها به عنوان شرکت های خدماتی و فنی - مهندسی نفتی و گازی باید به حساب آیند. شرکت های ملی نفت منتخب در نمودار (۵) شامل شرکت های ملی نفت امارات عربی متحده، ونزوئلا، کویت، عراق، ایران و عربستان سعودی می باشند. همه این شرکت ها به استثنای شرکت های ملی نفت امارات و عراق در گروه کشورهای با دسترسی محدود در نمودار (۲) معرفی شده بودند. مجدداً همه این شرکت ها در منطقه پایین نیمساز صفحه مختصات قرار

گرفته‌اند. شرکت ملی نفت آرامکو به دلیل نرخ بالای تولید آن در مقابل ذخایر سطح بالایش در منطقه نزدیک‌تر به خط نیمساز قرار گرفته با این حال هنوز تا قطع نمودن نیمساز فاصله دارد. البته روشن است که واحد اندازه‌گیری در محور عمودی میلیون بشکه و در محور افقی میلیارد بشکه معادل نفت می‌باشد.

### ۳-۴. تأثیر مناقصه‌های جدید عراق بر ساختار بازار آینده نفت

حال در نظر بگیریم چه اتفاق می‌افتد اگر در سال ۲۰۱۷ و یا حتی در سال ۲۰۲۰ اعلام شود که عراق در اثر به ثمر نشستن قراردادهای ناشی از مناقصه‌های نفت و گازی سال‌های اخیر بناست ۱۲ و یا ۱۳/۵ میلیون بشکه نفت در روز تولید کند. در این صورت روشن است که موقعیت شرکت ملی نفت عراق، در نمودار (۵) به یک‌باره و در راستای محور عمودی به طرف بالا شیفت تندی پیدا نموده و نیمساز صفحه را با فاصله زیادی پشت سر خواهد گذاشت. این بدان معنی خواهد بود که در رفتار نفتی، شرکت ملی نفت عراق دیگر نه رفتار یک شرکت ملی نفت که رفتار یک شرکت بین‌المللی نفت را در پیش گرفته است. تبعات چنین تغییر رفتاری برحسب منافع ملی عراق، رفاه اقتصادی این کشور، رفتار کشورهای عضو اوپک و قیمت‌های آینده نفت چه خواهد بود؟ همه این موارد، مواردی هستند که مطالعه مستقلاً را می‌طلبند. بنابراین نباید شگفت‌زده شد که چگونه شرکت انگلیسی بی. پی. به ناگاه جرأت می‌کند که به‌منظور شکستن طلسم عدم پیشرفت در مناقصه‌های اخیر نفتی اعلام‌شده از سوی عراق در میدان نفتی بسیار جذاب رمیله، به ناگاه از نرخ ۴ دلار پاداش در ازای هر بشکه تولید نفت به ۲ دلار در هر بشکه نفت مازاد بر تولید از سطح حداقل تعیین‌شده از سوی وزارت نفت عراق، بسنده نماید (Korosec: 2009).

### ۵. تأثیر مناقصه‌های نفتی و گازی اخیر عراق بر درآمدهای نفتی اوپک و عراق در آینده

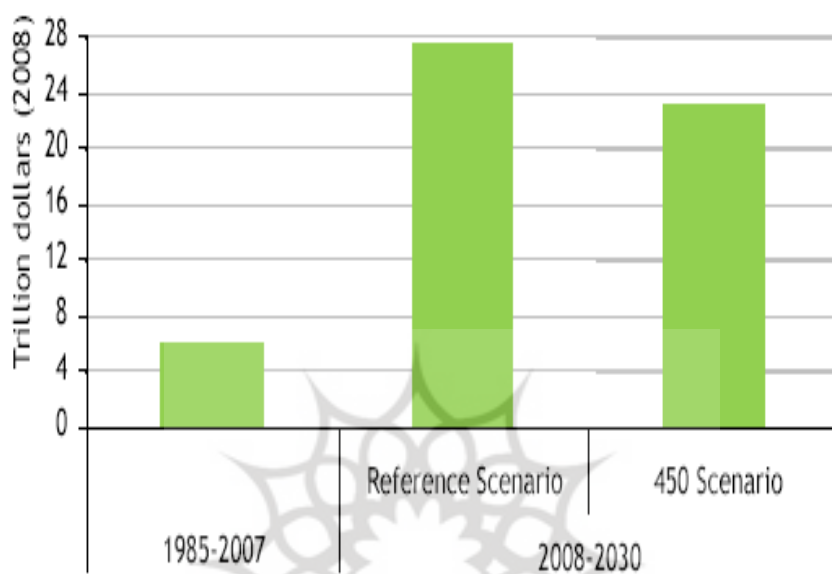
در قسمت پیشین این امر روشن شد که مناقصه‌های نفتی و گازی اخیر عراق در واقع در طول رشته‌ای از اقدامات واکنشی و بلکه جبرانی شرکت‌های بین‌المللی نفت و کشورهای متبوع و حامی آن‌ها در مقابل ملی‌نمودن‌های اوایل دهه ۱۹۷۰ در صنعت نفت قرار دارد. روشن شد که قراردادهای مشارکت در تولید برحسب آنچه از تغییرات در شرکت‌های ملی نفت در طول دهه‌های گذشته مشاهده شده، در واقع ابزاری برای بازگرداندن رفتار شرکت‌های ملی نفت به سوی رفتار شرکت‌های بین‌المللی نفت بوده است. مشخصه عمده چنین تغییر رفتاری، از دست‌دادن قدرت چانه‌زنی در نفت و دست

برداشتن از قدرت بازاری نفت می‌باشد. ضرورت توجه ویژه شرکت‌های بین‌المللی نفت و کشورهای متبوع غربی آنان در این راستا، از آن روی است که با کاهش نسبی منابع نفتی در کشورهای غربی و افزایش تقاضا برای نفت در جهان، طبیعتاً افزایش قیمت نفت در پی خواهد آمد. این پدیده علاوه بر در بر داشتن تغییر در موازنه قدرت سیاسی به سود کشورهای خاورمیانه که منابع غنی نفت و گاز در اختیار دارند، هزینه تولید را برای کشورهای غربی افزایش داده و کاهش رفاه مصرف‌کنندگان غربی را پدید خواهد آورد. مناقصه‌های نفتی و گازی اخیر در عراق به یک باره دو هدف فوق را هم زمان خنثی می‌سازند. از سویی، از قدرت چانه‌زنی عراق در بازار سیاست می‌کاهند و از سوی دیگر، امکان داشتن قیمت‌های ملایم‌تر را در آینده امکان‌پذیر می‌سازند. هر دو امکان بر روی هم به مانند لبه‌های یک قیچی بر ضد ایران عمل خواهد نمود.

مسئولان نفتی عراق به ملت خود نوید می‌دهند که ۴/۲ تریلیون دلار درآمد نفتی در اثر به انجام رسیدن تعهدات ناشی از مناقصه‌های اخیر نفتی و گازی نصیب کشور عراق خواهد شد و سودی که ملت عراق در مقابل شرکت‌های خدماتی مجری قراردادهای نفتی و گازی می‌برند، چیزی در حدود یک درصد از سود کل حاصله خواهد بود. حال برای این که صحت و سقم چنین پیش‌بینی را به بوته آزمایش گذاریم، بد نیست نمایه مورد پیش‌بینی از تولید نفت اوپک و درآمدهای تراکمی آن را در افق ۲۰۳۰ مد نظر قرار دهیم.



نمودار ۶. درآمدهای تراکمی صادرات نفت اوپک بر حسب دو سناریوی رقیب در افق ۲۰۰۸-۲۰۳۰



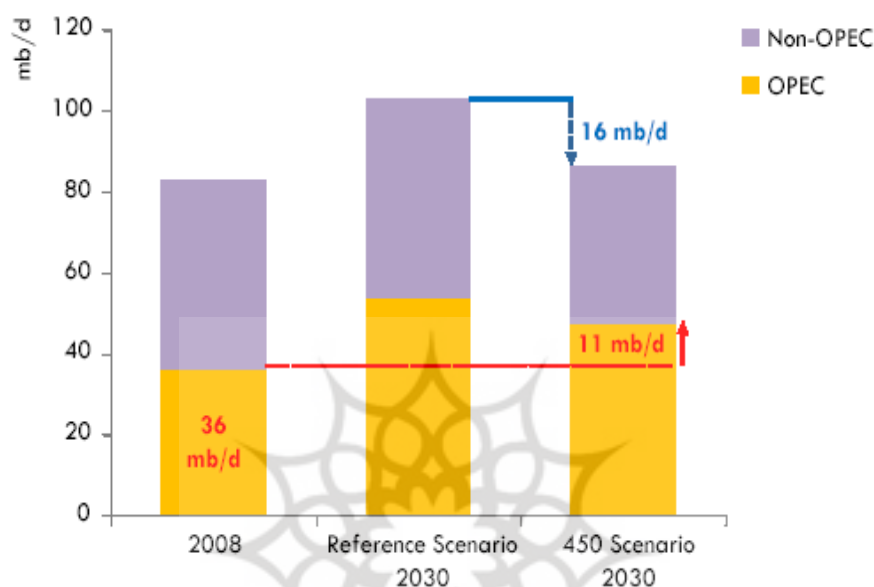
نمودار (۶) به ما می‌گوید که مجموع درآمدهای صادرات نفت اوپک در دوره ۲۰۰۷-۱۹۸۵ در حدود شش تریلیون دلار بوده است. با این حال و به‌رغم افزایش قیمت‌های نفت، انتظار می‌رود مجموع این درآمدها در ۲۲ سال منتهی به سال ۲۰۳۰ تریلیون دلار متفاوت، بین ۲۳ تا ۲۷ تریلیون دلار باشد. حال باید دید ۴/۲ تریلیون دلار درآمد نفتی موعود در قراردادهای اخیر نفتی و گازی اخیر عراق در کجای این پیش‌بینی‌ها قرار دارد؟

نمودار (۷) درباره چشم‌انداز تولید نفت جهان در افق ۲۰۳۰ براساس دو سناریوی مختلف اظهار نظر می‌نماید. تولید نفت اوپک در سال ۲۰۰۸ بالغ بر ۳۶ میلیون بشکه در روز بوده است. حال اگر برنامه مبارزه جهانی با تغییرات آب و هوایی شانس از تحقق پیدا نماید، در آن صورت براساس سناریوی ۴۵۰، اوپک تنها به ۱۱ میلیون بشکه نفت بیشتر روزانه نسبت به سال ۲۰۰۸ نیاز خواهد داشت. حال اگر بنا باشد، مناقصه‌های اخیر نفتی عراق در عمل با توفیق مواجه باشند، در آن صورت بر فرض تحقق سناریوی ۴۵۰، ۱۱ میلیون بشکه نفتی که برای تولید نفت گروه اوپک در نظر گرفته شده است، چگونه باید بین عراق و سایر اعضای اوپک تقسیم شود؟ آیا عراق در

آن صورت از اوپک خارج شده و بر تولید نفت مطابق با پیش‌بینی اخیر خود مبادرت خواهد ورزید؟ در آن صورت نتیجه این اقدام برای رفاه عراق و سازمان کشورهای صادرکننده نفت چه خواهد بود؟ آیا عراق خویشتن‌داری در پیش گرفته و مطابق با مصلحت سایر کشورهای عضو اوپک و متناسب با حفظ قیمت‌های مناسب نفتی در بازار جهان اقدام خواهد نمود؟ در آن صورت هزینه‌های توسعه‌ای و نیز هزینه سیاسی مقاومت در مقابل خواست قدرت‌های سلطه‌گر جهان مبنی بر لزوم افزایش عرضه به منظور جلوگیری از افزایش قیمت‌ها تا چه حد قابل تحمل خواهد بود؟ حتی بر فرض آن که سناریوی ۴۵۰ تحقق نیافته و تز مبارزه با تغییرات آب و هوایی جهان به حال خود رها شود، در آن صورت میزان مشارکت انتظاری تولید نفت عراق در بازار جهانی نفت تقریباً با میزان مشارکت تولیدی همه کشورهای عضو اوپک به استثنای عراق برابر خواهد بود؟ آیا چنین امتیازی برای عراق در مجموعه کشورهای عضو اوپک محترم شمرده خواهد شد؟ اگر بر فرض محال، بنا باشد چنان خواستی از سوی سایر اعضای اوپک محترم شمرده شود، در آن صورت بر سر اقتصادهای وابسته به درآمدهای نفتی اوپک چه خواهد آمد؟ در غیر این صورت، تبعات ناشی از تصادم منافع در اوپک به چه صورتی خود را بر حسب قیمت‌های آتی نفت نشان خواهد داد؟

به این ترتیب، ملاحظات مطرح شده در بالا از زوایای مختلف این ایده را مطرح می‌نمایند که زمانه تک روی در کشورهای عضو اوپک درباره تصمیم‌گیری راجع به سطح تولید در آینده به پایان رسیده و قاعدتاً هر اقدام در راستای افزایش تولید باید با ملاحظه دقیق وضع بازار در سال‌های پیش رو و با رعایت نوعی از هماهنگی با سایر کشورهای عضو و حتی کشورهای مصرف‌کننده سوخت‌های فسیلی همراه باشد.

نمودار ۷. پیش‌بینی تولید جهانی نفت برحسب دو سناریوی رقیب در افق ۲۰۳۰



۶. نتیجه‌گیری

از زمان اشغال عراق توسط آمریکا تاکنون سه دور مناقصه نفتی و گازی در این کشور برگزار گردیده و دور چهارم آن بناست در ژانویه سال ۲۰۱۲ میلادی برگزار گردد. براساس نتایج این مناقصه‌ها پیش‌بینی شده است که تولید نفت عراق با جهشی بزرگ در سال‌های منتهی به ۲۰۲۰ مواجه باشد، جهشی که به نظر برخی کارشناسان نفتی، می‌تواند غیرواقعی، بلندپروازانه و ناسازگار با بنیادهای نفتی<sup>۱</sup> امروز عراق باشد.

نوشتار حاضر دو سؤال در این رابطه مطرح نمود. اول این که ریشه چنین بلندپروازی‌های نفتی برحسب ساختار آتی بازار نفت و قدرت نسبی شرکت‌های ملی نفت در مقابل شرکت‌های بین‌المللی نفت چه خواهد بود؟ دوم این که چنین بلندپروازی‌هایی، چه تبعاتی را ممکن است برای آینده قیمت‌های نفت در جهان و نیز رفاه اقتصادی گروه کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) شامل عراق بر حسب درآمدهای نفتی و گازی آن‌ها در آینده در پی داشته باشد؟

پاسخ نوشتار حاضر به این سئوالات این بود که اولاً سیاست نفتی عراق باید از وضعیت تاریخی نوسان بین افراط و تفریط پرهیز نماید. به نظر می‌رسد میل به افراط و تفریط شرایطی را پدید آورده است که نوعی از سازوکار نفتی و گازی بتواند در قانون اساسی و در پیش‌نویس قانون هیدروکربورهای این کشور جای گیرد که به تولید مازاد بر نیاز بازار جهانی و به توسعه بی پروا و غیرصیانتی از میادین نفت و گاز این کشور انجامیده و بلندپروازی‌های اخیر نفتی و گازی را دامن زند. دولت عراق باید تلاش بلیغی را در راستای رفع مشکل یادشده به عمل آورد و از مشورت‌های جمهوری اسلامی ایران خود را بی‌نیاز نبیند.

در حال حاضر پیش‌بینی ما این است که شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز فشار ویژه‌ای را بر مجلس و دولت عراق وارد می‌آورند تا هرچه زودتر پیش‌نویس قانون نفت و گاز عراق را از تصویب مجلس نمایندگان این کشور گذرانیده و در نتیجه قراردادهای منعقد شده با خارجی‌ان را به لحاظ حقوقی الزام‌آور نمایند. گرچه دولت عراق در اظهارنظری قبل از انتخابات اخیر مجلس این کشور اعلام نموده بود که حتی بر فرض عدم تصویب مجلس، شانه خالی نمودن از زیر بار تعهدات مندرج در قراردادهای اخیر جریمه‌های قابل توجهی را برای عراق به همراه خواهد داشت، با این حال دقت بیشتر در این باره شرط احتیاط است.

همچنین، نوشتار حاضر با بهره‌گیری از معیاری که معادل عکس نسبت ذخیره به نرخ تولید می‌باشد و از آن می‌توان به عنوان معیار قدرت چانه‌زنی یک شرکت ملی نفت در زمان حاضر یاد نمود و نیز با استفاده از خط نیمساز اول صفحه مختصات در فضای دو متغیر ذخیره و نرخ تولید نفت، چنین نتیجه گرفت که اولاً تلاش وسیعی از سوی شرکت‌های بین‌المللی نفت در جریان است تا با انعقاد قراردادهای مشارکت در تولید و یا قراردادهای خدماتی، به افزایش به یک‌باره و سریع تولید نفت از سوی شرکت‌های ملی نفت در کشورهای با میادین سبز و اکتشاف نشده، کمک نموده و رفتار این شرکت‌ها را به سوی رفتار شرکت‌های بین‌المللی نفت سوق دهند. چنین امکانی با حس جهان‌سومی دولت‌های این شرکت‌ها سازگار است. زیرا اینان همواره سودای پشت‌سر گذاشتن رقبای سنتی و منطقه‌ای خود را در سر می‌پرورانده‌اند. معنای در پیش گرفتن رفتار یک شرکت بین‌المللی نفتی برای یک شرکت ملی نفت نه تنها تهی نمودن شرکت ملی نفت از قدرت چانه‌زنی بازاری و سلب اختیار از آن در راستای استفاده احتمالاً سیاسی از سلاح نفت می‌باشد که به کاهش قیمت‌های نفت در آینده کمک خواهد نمود. این دو عامل بر روی هم به مانند لبه‌های یک قیچی بر ضد کشورهای

مخالف با روند جهانی شدن مدنظر آمریکا مانند ایران عمل خواهد نمود و گامی اقتصادی به سوی تحقق خاورمیانه بزرگ مدنظر آمریکا خواهد بود.

به این ترتیب، بار دیگر ضرورت توجه به افراط و تفریط در سیاست‌های نفتی عراق مطرح می‌گردد. روزگاری شرکت‌های آمریکایی و انگلیسی حاکم بر کنسرسیوم نفتی عراق در راستای منافع خود از تولید بالای نفت سر باز می‌زدند و در نتیجه با فراهم نیاوردن سرمایه مالی مورد نیاز توسعه عراق، احتمال رخدادهای سیاسی خشن و کودتاها را برای این کشور فراهم آوردند. روزگاری دیگر، این کشور راه ورود شرکت‌های نفتی خارجی را بر عراق بست و در نتیجه اسباب چکانیدن ماشه حمله نظامی به خود را در کنار بی احتیاطی‌های دیگر دولتمردانش فراهم آورد. امروز هم در جهت مخالف و در راستای عطش توسعه‌ای پاسخ داده نشده از گذشته، چنان این کشور به دامان شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز غلطیده که گفته می‌شود مناقصه‌های نفتی و گازی اخیر این کشور یکی از بزرگ‌ترین مناقصه‌های ۱۵۰ ساله اخیر تاریخ نفت بوده‌اند.

ذخایر اثبات شده نفت و گاز و نرخ تولید ۲۵ شرکت ملی نفت برتر جهان در ۲۰۰۵

Country	2005 Proven Reserves			Rank	Country	2005 Annual Production		
	Oil	Gas	BOEs			Oil	Gas	BOEs
	mmbbls	Bcf	mmbbls			mmbbls	Bcf	mmbbls
Russia	74,436	1,688,046	355,777	1	Russia	3,486	21,109	7,004
Saudi Arabia	264,211	243,570	304,806	2	Saudi Arabia	4,028	2,453	4,437
Iran	137,490	943,922	294,810	3	Iran	1,478	3,071	1,990
Qatar	15,207	910,140	166,897	4	China	1,324	1,765	1,618
Iraq	115,000	111,901	133,650	5	Mexico	1,372	1,394	1,604
UAE	97,800	213,036	133,306	6	Norway	1,084	3,000	1,584
Kuwait	101,500	55,492	110,749	7	UAE	1,004	1,645	1,278
Venezuela	79,729	152,320	105,116	8	Venezuela	1,098	1,020	1,268
Nigeria	35,876	184,619	66,646	9	Algeria	735	3,099	1,252
Kazakhstan	39,620	105,900	57,270	10	Nigeria	942	769	1,070
Libya	39,126	52,632	47,898	11	Kuwait	965	342	1,022
Algeria	12,200	161,674	39,146	12	Indonesia	415	2,683	862
China	16,038	82,955	29,864	13	Brazil	627	402	694
Norway	9,691	84,897	23,841	14	Libya	621	413	690
Indonesia	4,301	97,428	20,539	15	Iraq	664	62	674
Malaysia	4,200	87,544	18,791	16	Qatar	400	1,535	656
Turkmenistan	546	102,370	17,608	17	Malaysia	302	2,114	654
Mexico	13,670	14,544	16,094	18	Kazakhstan	498	830	636
Azerbaijan	7,000	48,361	15,060	19	Argentina	265	1,610	533
Egypt	3,720	66,717	14,840	20	India	286	1,073	465
Brazil	11,722	10,943	13,546	21	Egypt	254	1,225	458
India	5,919	38,865	12,397	22	Angola	453	26	457
Uzbekistan	594	65,305	11,478	23	Turkmenistan	70	2,076	416
Oman	5,572	35,124	11,426	24	Oman	285	618	388
Angola	9,035	9,535	10,624	25	Uzbekistan	46	1,966	374

Table 1: Top 25 countries with national oil companies

Source: BP Statistical Review of World Energy, 2006

## منابع

نوروزعلی، محمدحسین (۱۳۹۰)، عراق: ذخایر نفتی، میادین نفتی و تولید، در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰ قابل دسترسی در:

<http://mhnoroozali.persianblog.ir/post/33>.

خادمی، هدایت‌اله (۱۳۹۰)، طلسم ورود دستگاه حفاری ملکی به کشور پس از ۲۸ سال شکسته شد، پایگاه خبری سید نیوز، در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰ قابل دسترسی در:

<http://www.sabadnews.com/economicnews/index.php?news=36985>

Chalabi, Fadhil J., (2000), "Iraq and the Future of World Oil," Middle East Policy, Vol. vii, No. 4.

US Department of Energy, Energy Information Administration (EIA), Iraq Country Analysis Brief, October 2002. *Iraqi Oil Officials Agree, Estimating Reserves at 270-300 Billion Barrels* in "Iraq's Oil Industry: An Overview," Platts, available as of May 17, 2011 at:

[http://www.mnforsustain.org/oil\\_renner\\_m\\_us\\_oil\\_policy\\_iraq.htm](http://www.mnforsustain.org/oil_renner_m_us_oil_policy_iraq.htm).

Mackey, Peg, (2011), IOD, *Iraq Ready to Scale Back Output Targets*.

Iraq's Al-Shahristani: *Baghdad Ready to Scale Back Production Targets*, Thursday, April 7, 2011.

Lando, Ben, (2011-1), *Oil Ministry Rejects Provincial Oil Deals*, [Iraq Oil Report](#), available as of May 17, 2011 at:

<http://www.energyintel.com/n/Portal/Default.aspx?3folderid=1&pageid=2>.

Lando, Ben, (2011-2), *Parliament Wants Role in Iraqi Oil Deals*, [Iraq Oil Report](#), available as of May 17, 2011 at:

<http://www.energyintel.com/n/Portal/Default.aspx?3folderid=1&pageid=2>.

Lando, Ben, (2010-1), *the Dealmaker*, [Iraq Oil Report](#) available as of May 17, 2011 at:

<http://www.energyintel.com/n/Portal/Default.aspx?3folderid=1&pageid=2>.

Lando, Ben, (2010-2), *Iraqiya against Gas and Oil Deals*, [Iraq Oil Report](#), available as of May 17, 2011 at:

<http://www.energyintel.com/n/Portal/Default.aspx?3folderid=1&pageid=2>.

Wikipedia (2011) *Iraq*, available as of May 17, 2011 at:

<http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82>.

Stork, Joe, (1975), *Middle East Oil and the Energy Crisis*, New York: Monthly Review Press. *History of Oil in Iraq*, (2011), available at:

<http://www.globalpolicy.org/iraq/iraq-conflict-the-historical-background-history-of-oil-in-iraq.html>.

Luft, Gal, (2007), *Brookings: How Much Oil Does Iraq Have?* Available as of May 17, 2011 at: <http://www.cfr.org/iraq/brookings-much-oil-does-iraq-have/p14701>.

Guner, Volkan, (2010), *Source of Conflict and Life: Energy Future of Iraq*, available as of May 17, 2011 at:

<http://www.eurasiacritic.com/articles/source-conflict-and-life-energy-future-iraq>.

Walt, Vivienne, (2009), *US Companies Shut out as Iraq Auctions Its Oil Field*, available as of May 17, 2011 at:



<http://www.time.com/time/world/article/0,8599,1948787,00.html>.

Satter, Raphael G., *Iraq Lays out Rules for 1st Round of Oil Bids*, available as of May 17, 2011 at:

[http://www.realclearmarkets.com/news/ap/finance\\_business/2008/Oct/13/iraq\\_lays\\_out\\_rules\\_for\\_1st\\_round\\_of\\_oil\\_bids.html](http://www.realclearmarkets.com/news/ap/finance_business/2008/Oct/13/iraq_lays_out_rules_for_1st_round_of_oil_bids.html).

Iraq-business news (20 February 2011), *Another Iraqi Oil and Gas Licensing Round Late 2011*, available as of May 17, 2011 at: <http://www.iraq-businessnews.com/tag/auction/>.

Iraq Oil Forum (2011), *Resouces*, available as of May 17, 2011 at:

<http://www.energyintel.com/n/Portal/Default.aspx?3folderid=1&pageid=2>.

Mason, Rowena, (2010), *BP's Iraqi Oil Deal Faces Court Battle*, available as of May 17, 2011 at:

<http://www.telegraph.co.uk/finance/newsbysector/energy/oilandgas/7062249/BPs-Iraq-oil-deal-faces-court-battle.html>.

Peter Bohm (1987 [2008]), *Second Best*, *The New Palgrave: A Dictionary of Economics*, v.4, pp. 280-84.

Asharq Al-Awsat (2011), *Talks to Iraqi Deputy Prime Minister for Energy Hussein Al-Shahristani*, available as of May 17, 2011 at:

<http://onedinar.forumotion.net/t31565-asharq-al-awsat-talks-to-iraqi-deputy-prime-minister-for-energy-hussein-al-shahristani>.

Lawson, Duncan, (2011), *Iraqi Minister Announces Commencement of \$15 Billion Water Plant*, available as of May 17, 2011 at:

<http://www.moveoneinc.com/blog/middle-east/eniraqi-minister-announces-commencement-15-billion-water-plant>.

Roberge, Rick and Tom Collins, (2007), *The Wealth of Nations: How Well Do Countries' Petroleum Strategies Aling?* Price Waterhouse Coopers.

BP Statistical Review of World Energy, Full Report, June 2009.

BP Statistical Review of World Energy, 2006.

Bloomberg (2010), *Iraq May Get \$ 4.2 Trillion in Income from Oilfield Developments*, Bloomberg Business Week, October 20, 2010. As of July 26, 2011. at:

<http://www.businessweek.com/news/2010-10-20/iraq-may-get-4-2-trillion-in-income-from-oilfield-developments.html>.

Korosec, Kristen (2009), *Iraq Oil Auction: China's Public Display of Agression, BP-led Bid Scores Deal*, as of July 26, 2011 at:

<http://www.bnet.com/blog/clean-energy/iraq-oil-auction-chinas-public-display-of-aggression-bp-led-bid-scores-deal/525>.